

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

پنجشنبه ۰۲ سپتمبر ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

## ( قانونی های بی قانون )

### گفت و شنودی با آقای قانونی ریس جبهه تفاهم ملی افغانستان

آقای محترم! در آغازین کلام میخوام از شما و دیگر اعضای وابسته به تشکیل نام نهاد شما تشکر نمایم که بمن فرصت گفت و شنید را دادید .

قانونی : ضرورت به تشکر نیست. ما، دفتر ما و وقت ما همیشه در خدمت کسانی بوده که بتوانند یکطرفه و جانبدار از موضع ما دفاع کرده و برای تبلیغ مرام ما (آنطوریکه میگویم نه آنطوریکه بوده است) تلاش مینمایند .

س – یعنی فرو گذاشت از حقایق؟

ج – بلی . دیده پوشی . (حرف ویرانه در ویرانه، از آباده در آباده) شما باید با رمز و راز سیاسی آشنا باشید .

س – متوجه شدم . ببخشید زمانیکه با آقای مولوی یونس (خالص) صحبت داشتم ایشان برای تعریف تخلص شان ادعا داشتند که یکدست (خالص) و بی غل و غش استند و الحق که چنین بودند! و شما برای پسوند نام تان چه تعریف دارید؟

ج – (چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان است) با قاطعیت میتوانم بگویم که چون من شخص (قانونی) در هفت اقلیم پیدا نمیشود. مگر کار نامه هایم موید این ادعا نیست؟

س – ببخشید . منظور از تشکیل حکومت مشارکت ملی چیست؟

ج – ایجاد و یا تشکیل این حکومت تنها جهت فراهم سازی یک فضای شکلی برای افاده ای دموکراسی بوده، و لی در اصل منحرف نمودن افکار عامه از ناتوانی ها و حالت استحاله ای دولت است، که درین شگرد و ترفند دو مرام نهفته است . یک فریب دادن مردم بنام دموکراسی . دو دیگر رسیدن به نان و نوای . ورنه (خشتک تنگ و خیز بلند) امکان ندارد .

س - یعنی این همه درامه سازی ها با استتشاره ای خارجی ها صورت می گیرد؟  
ج - مگر غیر ازین است؟ اگر ما توان بیرون آمدن و یکه تازی می داشتیم باز می گفتیم (دین در خطر است) و در همان مرحله اول خود را برای قدرت نظامی امریکا و ب ۵۲ نشان میدادیم ، برادر! (با پوشیدن ماسک شیر، شغال شیر نمیشود)

س - میخواهید بگویید این همه فریاد دموکراسی و دموکراسی بازی ، دین و دین سازی همه نقش های فریبنده است؟

ج - ببخشید . فکر میکنم شما هنوز سیاسی و آبدیده نشده اید ، حیف آن همه فشار، ستم و مصیبتی که سالها بالای شما وارد نمودیم.

واژه های مثل آزادی، دموکراسی، اخوت، برابری، وحدت ملی و غیره در قاموس سیاسی ما همان قصه های سرخ پری و سبزپری است برای خواباندن مردم هراس دیده ، و احیای فرصت برای رسیدن به رهبر سالاری.

س - در مورد پارلمان یا انتخابات پارلمانی چه نظر دارید ؟ آیا با نفوذ به شورا خیال خدمت بوطن و مردم را دارید ؟

ج - همان (تفاوت راه از کجاست تا به کجا) ما به چه فکر و شما درچه اندیشه، اگر قرار باشد طور (انتصابی) نه (انتخابی) زیرا ملت به هویت ما واقف اند، و حنای ما دیگر پیش آنها رنگ ندارد و بما کسی رأی نخواهد داد، اما اگر دستوراً لازم پنداشته شود و انتصاب شویم ، هدف همان است سد راه ای دموکراسی و مانع ورود نمایندگان واقعی مردم شدن ، بوجود آوردن پارلمانی شبیه ای پارلمان (ظاهر شاهی) که (خود کوزه باشد و خود کوزه گر و خود گل کوزه) بی جا نخواهد بود اگر برای رفع خستگی یک لطیفه بگویم ؟  
س - بفرمایید .

ج - سه پسر کوچک با همدیگر صحبت می نمودند. اولی گفت: پدر من آدم بزرگی است . قانون میسازد. دومی گفت: پدر من مهم و بزرگتر است او قاضی است و قانون پدر تو را به اجرا میگذارد. سومی گفت: پدر هر دوی تان پیش پدر من صفر است. آنچه پدر تو میسازد و پدر تو اجرا میکند، پدر من با گرفتن چند افغانی همه را هیچ میسازد. پرسیدند: پدر تو چکاره است؟ جواب داد: پدر من پولیس است و با گرفتن رشوت به ریش پدر هر دوی تان می خندد. (خنده . هاهها) خدا کند به گپ رسیده باشی.

س - فهمیدم. آیا شما برای انتخاب شدن، ببخشید انتصاب شدن عناصر آگاه، اصلاح طلب و تحصیلکرده دارید؟

ج - گاهی دوصد مرد جنگی بهتر است از یک آموزگار. چند دهه جنگ و نبود سیستم های تعلیمی و آموزشی ، لشکری از بیسوادان را بوجود آورده ،که همه چون سیاهی لشکر به دور هر کارگردان سیاسی جمع اند. گاهی مجاهد اند و القاعده گاهی طالب و داعیش و ... (حمای را صد من آب گنده کار است).

س - گفته می‌توانید کی ها مسبب این همه بدبختی ها بوده و چرا ؟

ج - فرد آگاه باعث فراهم نمودن زحمت برای دولت های خودکامه و مستبد میگردد، ما هیچوقت از کسی که تنها انگشت وی برای کشیدن ماشه ای تفنگ کار کرده نترسیده ایم ، تنها ترس ما از عناصر آگاه، مغزهای متفکر و روشنفکران بوده ،و تمام توجه ما در جهت قلع و قمع آنها بوده و است ، تنها ما این کار را نکرده ایم همه چنین کرده اند ، زیرا بوضاحت میشود فهمید که یک روشنفکرانقلابی دهها انقلابی دیگر را بوجود خواهد آورد ،بنابر این (درب بسته بلا بسته) یعنی درب مکتب بسته بهتر است .

س - ببخشید با این اعتراف و آن همه کارنامه های تان مثل جنگ های خانمانسوز، قتل عام مردم بیگناه و بی دفاع، ویرانی بیشترین قسمت وطن و چپاول تمام داشته های مادی و معنوی افغانستان ، باز چطور جرات نمودید دست به ساختن چنین تشکیل بزنید؟

ج - اول که من تنها این همه خیانت و جنایت را نکرده ام، تمام برادرها و رفقا مسوول استند . دوم تمام تنظیمهای پشاورى ... گمشکو ( حرف خود را ناتمام گذاشت )

س - مگر شما عضوی یکی از همان تنظیم ها نبودید؟

ج - بودم ، بگذریم ... (بعد از گناه کردن پشت دست گزیدن فایده ندارد) و اینکه چرا در راس این تشکیل قرار دارم ساده است ،به گذشته ام نظر کنید نخست عضو جمعیت بودم ، باز نهضت ملی را ساختم، بعداً افغانستان نوین ، و اینک با شرکای جرمی خویش در جهت ساختن حکومت مشارکت ملی استم ، بالاخره باید دیگ خود را در کدام جای سیاه کنم. (آهسته) اینکارها یک کمی پُرویی ، دیده درایی، خودفروشی و خاکفروشی کار دارد.

س - ببخشید آیا باهمین روحیه منظور (پُرویی) است، می‌توانید از دولت ( زی زی ها ) نجیب احمدزی ، حامد کرزی و غنی احمدزی انتقاد نمایید و شفافیت داشته باشید؟

ج - کدام شفافیت؟ شما از مرداب توقع آب شربین دارید، اگر بزرگان سیاست لازم ببینند طور ساختگی و نمایشی انتقاد خواهیم کرد ، مثلکه از پیرمرد کردیم.

س - کدام پیرمرد؟

ج - رئیس دادگاه عالی. بخاطر نامه ای شان به بوش و تقاضای تمدید مدت خدمت زلمی خلیل‌زاد سفیر امریکا ، آنهم انتقاد مصلحتی بود، باید موضوعی برای اخبار پیدا کرد ، و همچنان باید برای مردم عراق فهمانده میشد خلیل‌زاد مرد کاریست، افغانستان را نهال شاند و عراق را گل میکارد ، تا آنها او را با آغوش باز بپذیرند، ورنه(هرکی میدانند که دوغ ترش است) ما کجا و دادگاه عالی کجا ، ما کجا و قدرت نیروهای انتلاف کجا و....

س - کار شما درست مثل کار سه پته بازهای جاده میوند و مرادخانیهست .

ج - درست فهمیدی.

س - چرا اسم این تشکیل را ( حکومت مشارکت ملی) گذاشته اید؟

ج - هیچ گونه مشارکت و تفاهمی وجود ندارد، خود فکر کنید مثلاً من، محقق ، خلیلی ، دوستم ، عطانور ، احمد مسعود ، هیبت الله ، ملا برادر ،سید محمد علی جاوید، احمد شاه احمد زی و دیگران میتوانیم باهم تفاهم داشته باشیم؟ وقتی دیروز بخاطر یک قطی شیر امدادی سینه همدیگر را چلو صاف می ساختیم ، امروز چگونه میتوانیم سر تقسیم نجنگیم و تفاهم داشته باشیم ، مگر در درازنای نیم قرن ملت شاهد ازدواج ها، تلاق ها، انتلاف ها و تلفیق های ناهمگون و نامتجانس ما نبوده اند؟ که وقتی از شکل به حقیقت پیوسته مملکت را حمام خون ساخته ایم ، همه شکلیست برادر شکلی، در مورد واژه ای ملی بعد از کلمه ای تفاهم. شعار ها باید مردم پسند و فریبنده باشند.

س - یعنی یک واژه ای بی محتوا و شکلیست؟

ج - بلی . ما ضدیت های قومی را بر مناسبات ملی ترجیح می دهیم.

س - آیا شما یعنی منظورم دیگر برادرهای دین سالار است ، آنها هم عناصر ملی نیستند؟

ج - ما از آزمون تاریخ و شناخت مردم برآمده ایم ، چیزی جز مزدوری استعمارگران متجاوز ، خودفروشی ، خاکفروشی ، خودخواهی، جاه طلبی، بدی، تفرقه اندازی و نفرت انگیزی در قاموس ما وجود ندارد.

س - ببخشید یک سوال خصوصی ( شما در کارزار انتخابی برای تبلیغ و کاندید شدن تان هزینه

های گزافی مصرف نموده بودید و موفق هم نشدید . یعنی پول ها به هدر رفت، متأسف نیستید؟

ج - برادر! پول باد آورده را باد می برد (بیل خو نزده بودم) اگر زنده ماندم از همین تشکیل نوزاد صد چند آن پول را پیدا خواهم کرد.

س - با پوزش آقای قانونی من اصلاً نفهمیدم شما به چی عقیده دارید ، یعنی ایدلوژی شما چیست؟

ج - هیچ چیز، هیچ کدام. > به هر چمن که رسیدی گلی بچین و برو ----- به پای گل منشین **جان من که خار دارد**<< اینست عقیده ای من.

س - آخرین سوال: شما تا چه وقت ملت را فریب می دهید؟

ج - تا رستاخیز دیگر.

( ناتور نهاد )